

A Study of language and Local-Climatic Factors in Contemporary Poetry of Mazandaran

Abdol reza Shirdast^{*}, Gholam Reza Pirouz^{}**

Fatemezahra Sadeghi^{*}**

Abstract

Locality and climate are of frequently used terms in environmental studies which, coupled with literary notions and ecology, have presented researchers with new, interdisciplinary research goals. Local and climate studies include any experience which reflects the interaction of a poet and his/ her immediate environment in his/ her imagination, language, thoughts or feelings. Local and climate poetry is a subjective poetry with a certain structure which simultaneously displays tradition and modernity. In this study, we aim to find an answer to this question: what roles have local-climatic elements played in the richness of mental and linguistic images of Mazandaran poetry? The present research is the result of examining 225 poetry collections of 50 Mazandarani poets (1350-1400). In it, we have attempted to classify local-climatic elements based on two major geographical and socio-cultural and nine minor features. From this perspective, the role of environmental elements and geographical messages they are trying to convey have been examined in all the existing stylistic tendencies, frameworks and genres in the poetry of Mazandaran. Findings of this study, regarding statistical data analysis, indicate that frequency of local-climatic elements is significant in socio-cultural feature of Mazandaran poetry in a way that customs and rituals, beliefs, colloquial terms, tradition and modernity,

* Education Instructor, Babolsar, Iran (Corresponding Author), a.shirdast47@yahoo.com

** PhD in Education Literature, Babolsar, Iran, Pirouz_40@yahoo.com

*** Professor of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran, fatemezahra.sadeghi@yahoo.com

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 10/09/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

music and environmental approaches have been depicted in surface and deep structures of poems. Research methodology used in this study is a mixed method (qualitative and quantitative) which makes use of reference documents and reliable Internet sites.

Keywords: Mazandaran poetry, poets, language, local-climatic features, geographical and socio-cultural features.



خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی در شعر معاصر مازندران

عبدالرضا شیردست*

غلامرضا پیروز**، فاطمه زهرا صادقی**

چکیده

بوم (local) از واژه‌های پرتکرار در حوزه‌ی دانش زیست محیطی است. این اصطلاح در پیوند با مفاهیم ادبی و دانش بوم‌شناسی (ecology) فصل‌جدیدی در مطالعات میان‌رشته‌ای گشوده است. منظور از ادبیات بومی - اقلیمی نوع تجربه‌یاست که در رهگذر زندگی شاعر با محیط پیرامون در خیال، زبان، اندیشه و عواطفش انعکاس پیدا کند. شعر بومی - اقلیمی، شعری سوژکتیو با ارگانیک‌گویی کهنسنت و مدرنیزم دریافت آن نمایان است. این جستار به دنبال پاسخ به این پرسش است که عناصر بومی - اقلیمی در غنای صورت‌های زبانی و ذهنی شعر مازندران چه نقشی‌هایی ایفا کرده است. پژوهش حاضر حاصل خوانش (۲۲۵) دفتر شعر پنجاه شاعر مازندران از (۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰) است که در آن نویسندگان کوشیده‌اند، عناصر بومی - اقلیمی را در دو کلان‌شاخه‌ی جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی در نه‌خردشاخه‌ی صورت‌بندی نمایند. از این منظر نقش عناصر محیطی و رسالت

* دبیر رسمی ادبیات آموزش و پرورش مازندران، بابل‌سر، مدرس دانشگاه فرهنگیان، دکترای ادبیات، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، a.shirdast47@yahoo.com

** دکترای تخصصی ادبیات، استاد ادبیات، دانشگاه مازندران، عضو هیات علمی ادبیات، دانشگاه مازندران، Pirouz_40@yahoo.com

*** دکترای ادبیات، دانشگاه مازندران، دبیر رسمی ادبیات آموزش و پرورش مازندران، بابل‌سر، مدرس دانشگاه‌های غیرانتفاعی، fatemezahra.sadeghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جغرافیایی در تمام گرایش‌های سبکی، قالب‌ها و ژانرهای موجود در شعر استان مازندران واکاوی شده است. یافته‌های این پژوهش با توجه به تحلیل داده‌های آماری، نشان می‌دهد کهالمان‌های بومی - اقلیمی در شاخصه‌ی اجتماعی - فرهنگی شعر مازندران نمود قابل ملاحظه‌ی داشته چنانکه آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، واژگان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی و نگاه زیست محیطی در روستا و ساخت و ساز سروده‌ها به تصویر درآمده است. روش پژوهش تلفیقی از نوع کمی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایت‌های معتبر اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: شعر مازندران، شاعران، زبان، شاخصه‌های بومی - اقلیمی، شاخصه‌های جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی.

۱. مقدمه

امروزه در آثار هنری، تحقیق و پژوهش راجع به پیوستگی عناصر بومی - اقلیمی با شیوه‌ی نگرش مبدع اثر و جهی اجتناب ناپذیر است، زیرا عناصر اقلیمی در برآیند فضای گفتمانی آثار هنری نقش مهمی ایفا می‌کند و نادیده انگاشتن بازتاب اقلیمی و تصاویر محیطی موجب می‌شود تا بخشی از هنر شاعر مغفول گردد. اگر نگاهی گذرا به تطور مقوله‌های اقلیمی ادبیات منظوم و مثنوی در ادب کلاسیک و معاصر داشته باشیم به نقش و کارکرد شاخصه‌های اقلیمی در زبان و نحوه‌ی تفکر نویسنده پی خواهیم برد. شاعران معمولاً از تحولات محیطی و عناصر بومی - اقلیمی تاثیر می‌پذیرند و آثارشان را تحت تاثیر شرایط فیزیکی و محیطی پیرامون خود می‌آفرینند. از آنجا که شاعر متأثر از طبیعت زیستی خود است، بالطبع بخشی از آن را در آثار خود انعکاس می‌دهد، به همین روی می‌توان گفت هر اقلیم، ویژگی‌های فرهنگی و هنری خاص خود را دارد که بازتاب و تجلی آن را در آثار شاعران آن اقلیم می‌توان مشاهده کرد، از این منظر برداشت شاعر کویرنشین از طبیعت با شاعر منطقه‌ی جنگلی و کوهستانی متفاوت است. با عنایت به این موضوع می‌توان گفت آب و هوای معتدل و مرطوب شمال ایران، تاثیر زیاد پیرافکار و اندیشه به ویژه طرز بیان و زبان شاعران پسا نیمایی مازندران برجای نهاده است زیرا آنابا عناصر محیطی خویش همواره در ارتباطند و در طول زندگی، عوامل محیطی بر فضای روحی، عاطفی و احساسات آنان تأثیر نهاده است. از این نظرگاه می‌توان گفت شاعران مازندران نیز در شعرشان وامدار صورت‌های اقلیمی زادگاه خود می‌باشند و رسالت جغرافیایی و عناصر محیطی

نقش موثری در شکل‌گیری بافت زبانی اشعار طبیعت‌گرای این منطقه ایفا نموده‌است چنان‌چه شاعران این خطه با صورت‌های متکثر اقلیمی رنگی محلی بر شعر زده و عناصر بومی - اقلیمی را در شعرشان پروردند.

پژوهش حاضر خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی پنجاه شاعر معاصر امروز مازندران از (۱۳۵۰) تا (۱۴۰۰) است. به نظر می‌رسد خوانش پنج دهه شعر مازندران با توجه به فضای گفتمانی حاکم هر دهه‌به‌ویژه بسامد واژگانی شاخصه‌های اقلیمیامری ضروری است، زیرا شاعران فارسی‌سرای این دیار پس از نیما در رشد و شکوفایی جریان‌های ادبی مشارکت داشته و در پیشبرد فرم و محتوای شعر نقش موثری ایفا نمودند. مبدأ شعر معاصر مازندران نیماست و پس از او شاعران مازندرانی بنام دیگری از دهه‌ی سی به بعد چون؛ چون ابوالقاسم هاشمی‌نژاد، احسان طبری، محمد زهّری، اسماعیل نوری‌علا، فرامرز سلیمانی، حسن هنرمندی، سلمان هراتی، تیرداد نصری، محمود معتقدی، منصور جعفری‌خورشیدی و... به تدریج به صف پیروان نیما پیوستند. هرچند شاعران مازندران در دهه‌ی پنجاه از حیث فرم و تکنیک‌های ساختاری دچار رکود شدند و از منظر ایدئولوژیکی از فضای رمانتیسیسم اجتماعی دهه‌های گذشته بیرون نیامدند اما در دهه شصت با حضور در نشریات فرهنگی و ادبی کشور از این رکود دوری جستند. «در این مقطع شاعران مازندرانی آغازگر نبودند بلکه ادامه دهندگان مشرب شاعران پایتخت بودند و توانستند فاصله‌ی شان را با شعر کشور نزدیک نمایند و فضای تازه‌ای را تجربه کنند» (بذرافشان و اکبری، ۱۳۹۶: ۱۹). در این سال‌ها شاعران مازندران به خودباوری و استقلال رسیدند و همپای جریان‌های شعری کشور حرکت کردند. شاعران مازندران نه تنها دبستان‌های ادبی شعر معاصر را پی‌می‌گرفتند بلکه عده‌ای از آنان جریان‌های جدیدی را پایه‌ریزی کردند. تعدادی از آنان مانند: بهمن بزرگی نوشهری، علی‌اکبر یاغی‌تبار، محمدعلی رضازاده، سیامک بهرام‌پرور، مریم رزاقی و... پا از قالب کلاسیک فراتر نگذاشته و هم‌چنان به نوشتار لژی قالب غزل وفادار مانده‌اند، هرچند با تغییراتی در فرم، نوآوری‌هایی داشته‌اند. گروهی دیگر از شاعران هم به‌شیوه‌ی کلاسیک و هم به شیوه‌ی نو طبع‌آزمایی نمودند؛ سلمان هراتی، اسدالله عمادی، ایرج قنبری، مصطفی علیپور، افشین علا. گروهی دیگر نظیر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تیرداد نصری، محمود معتقدی، محمود فلکی و فاطمه ملک زاده اختصاصاً به شیوه‌ی مشهور مدرن روی آوردند. محمدصادق رئیسی و نرگس الیکایی همپای جریان‌های ادبی معاصر به هایکو واره‌ها علاقه

و اقبال نشان دادند. صدیقه محمدجانی با قالب سه‌گانی^۱ به تأییز علیرضا فولادی در قائم‌شهر آثار متعددی منتشر کرده است. تعدادی از شاعران ماندش‌مس آقاجانی، ناصر پیرزاد و رجب بذرافشان به شعر هنجارگریز پسامدرن روی آوردند. برخی از شاعران مازندران، نحله‌های جدیدی را همانند نیما در شعر معاصر بنیان نهادند، از جمله فرامرز سلیمانی از ساری در دهه‌ی شصت بنیانگذار جریان نویی در شعر معاصر به نام «موج سوم»^۲ است و در دهه‌ی هفتاد جلیل قیصری از شهرستان نور بانی «اسا شعر»^۳ قلمداد می‌شود. احسان مهدیان از شهرستان ساری خود را مبدع «شعر ارتعاش»^۴ در دهه‌ی هشتاد می‌داند و در اواخر دهه نود مهدی خبازی از شهرستان بابلسر با تأثی از مشرب فلسفی دریدایی بنیانگذار «متن سیاه»^۵ است. همچنین برخلاف مکتوبات معاصرین باید گفت؛ شعر حجم پس از یدالله رویایی با ابوالقاسم هاشمی‌نژاد از شهرستان آمل شروع شد و با منصور جعفری خورشیدی از بهشهر ادامه یافت. با توجه به جریان‌های موجود و تنوع شعر فارسی در مازندران، بررسی عناصر و شاخصه‌های بومی - اقلیمی شاعران فارسی سرای مازندران در پنج دهه دستور کار پژوهش حاضر است.

پرسش اساسی این است که محورهای اصلی برجستگی‌های بومی - اقلیمی در گزاره‌های خیالین شاعران مازندران چیست؟ و شاعران با چه راهبردهایی برجستگی‌های بومی - اقلیمی در شعرشان انعکاس داده‌اند؟ از طرفی مهم‌ترین دغدغه‌ی شاعران این منطقه در طرح صورت‌های اقلیمی چیست؟ و چه تأثیری بر زبان، درون‌مایه و فضای گفتمانی شعرشان داشته‌است؟ حدود پژوهش پنجاه شاعر مازندران از گلوگاه تا رامسر و مجموعه شعرهای منتشر شده‌ی آنان از هزار و سیصد و پنجاه تا هزار و چهارصد است. از منظر نوآوری تاکنون پژوهشی به این وسعت در شعر امروز مازندران بر مقلوبه‌های بومی - اقلیمی صورت نگرفته است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

پیرامون سروده‌های فارسی شاعران مازندران مقالات متعددی به نگارش درآمده‌است. در راستای موضوع این جستار، تنها اثر جدی، مقاله‌ای با عنوان «کاربست شاخصه‌های اقلیمی - فرهنگی در شعر معاصر مازندران در راستای تقویت فرهنگ بومی (با رویکرد به سروده‌های اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان و جلیل قیصری)» مجله علمی پژوهشی مطالعات

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۶۳

توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره هشتم، شماره ۱، (۱۳۹۸) به نگارش فاطمه زهرا صادقی، غلامرضا پیروز و زهرا پارساپور است، در این مقاله نویسندگان تلاش نمودند مصادیق اقلیمی که با جریان‌های بومی همسویی داشت، واکاوی نمایند. علاوه بر این تعدادی از مقاله‌ها و کتاب‌ها که می‌توانند تکمیلی بحث در این بخش باشند عبارتند از: «لحن عامیانه و شگردهای آن در شعر فارسی امروز مازندران»، دوماهنامه پژوهشی فرهنگ و ادبیات عامه دانشگاه تربیت مدرس، سال نه شماره سی و هشت، خرداد و تیر (۱۴۰۰) به نگارش عبدالرضا شیردست و غلامرضا پیروز، در این مقاله نگارندگان تکنیک‌های پردازش لحن عامیانه را در شعر چهل شاعر مازندران را دسته‌بندی و معرفی کردند. «سبک‌شناسی مجموعه شعرهای شاعران فارسی سرای مازندران با رویکرد لایه‌ای»، ماهنامه‌ی تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، درجه علمی، سال سیزدهم، شماره پنجم، مرداد (۱۳۹۸) به نگارش عبدالرضا شیردست، غلامرضا پیروز، علی اکبر باقری و حسین حسن‌پور آلاشتی. در این مقاله نویسندگان، بیست و دو مقوله‌ی واژگانی را در شعر بیست شاعر مازندانی با رویکرد لایه‌ای تحلیل نمودند. «نقد و تحلیل مجموعه سروده‌های محمد زهری با تاکید بر محتوا و درونمایه» نوشته‌ی عباس حسن‌پور و علیرضا قاسمی (۱۳۹۵)، دوفصلنامه علوم ادبی، سال ششم، شماره هشتم، پاییز و زمستان. در این مقاله نویسندگان مجموعه کامل شعر محمد زهری را از منظر زبان، بلاغت با تاکید بر محتوا و درونمایه بررسی نمودند. «پژوهشی در شعر و زندگی سلمان هراتی (آشنای شالیزار)» از مهدی خادمی کولایی (۱۳۸۵)، نشر شلفین ساری. کتاب راجع به نظرها و دیدگاه نویسنده و پژوهش‌گران پیرامون شعر و زندگی سلمان هراتی است. با نگاهی گذرا به پژوهش‌های پیشین مشخص می‌شود که محققان در آن پژوهش‌ها اگرچه بر شعر فارسی مازندران تمرکز داشته‌اند اما نکته‌ی تشخیص و تمایز این جستار تاکید بر شاخصه‌های بومی-اقلیمی شعر فارسی امروز مازندران است.

۲.۱ روش پژوهش

روش تحقیق (Method of reserch) یکی از مهم‌ترین مراحل انجام تحقیق است. روش تحقیق، فرآیندی نظام مند و هدفدار برای پاسخ به سوالات تحقیق است. در حقیقت موضوع، اهداف، ماهیت اطلاعات و اسناد و مدارک، تعیین‌کننده‌های روش تحقیق است

(احمدی، ۱۳۹۴: ۳۵). روش تحقیق در این پژوهش تلفیقی از نوع میدانی، کمیوکیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایت های معتبر اینترنتی است که دفترهای شعر فارسی پنجاه شاعر مازندرانی با هدف خوانش شاخصه های بومی - اقلیم دَرَسَه گام تبیین می شود. گام نخست؛ در این گام مجموعه شعرهای شاعران استان مازندران (از گلوگاه تا رامسر) جمع آوری شده است، در این پژوهش مصادیق ما گروهی از شاعران فارسی سرای مازندرانی است مجموعه شعرشان از سال های (۱۳۵۰) تا سال (۱۴۰۰) چاپ شده و محل تولد آنان در مازندران بوده است، همچنین اولویت باشاعرانی بوده که در جریان های ادبی شعر معاصر کشور مشارکت داشته یا جریان ساز بوده و سهم عمده ای در رشد و پیشرفت شعر استان ایفا نموده و حداقل دو مجموعه شعر منتشر کرده اند. البته شاعرانی که دو مجموعه داشتند تعدادشان اندک بوده، عمده ی شاعران بیش از دو مجموعه منتشر کرده اند برای نمونه محمود معتقدی (۲۱) دفتر شعر، رجب افشنگ (۱۲) دفتر، نرگس الیکایی (۱۲) دفتر از خود بجانهاده اند.

گام دوم؛ جهت آشنایی با روحیات شاعر و دست یابی به آثار ذوقی و پژوهشی، پرسش نامه ای طراحی شده است. و در آن سوالاتی نظیر؛ مشخصات شناسنامه ای، عناوین آثار ذوقی و پژوهشی، آثار منتشر شده، آثار در دست چاپ، سبک شعر، قالب شعر، شاعران و ژانرهای مورد علاقه و موضوعاتی دیگر آمده است سپس از خود شاعر یا از مجاری صاحب نظران و آشنایان سایت ها و صورت های مجازی اطلاعات مورد نظر اخذ شده است. گام سوم؛ در این گام نویسندگان شاعران اقلیم گرا و مقوله های بومی - اقلیمی را در دو دسته ی عام و خاص صورت بندی نمودند و هریک از مقوله های عام و خاص را در همان صورت نخستین به مولفه های ریزتری تقسیم کردند. در این تقسیم بندی به موجب گستردگی عمده ی دفترهای شاعران، نخست ویژگی های کلی و عمومی شاخه های بومی - اقلیمی بافتی در شعر از طریق بررسی دفتر اشعار شناسایی نمودند پس از آن ویژگی های شناخته شده را با «هنجار» سنجیده اند. بدین صورت کل پیکره ی اثر ادبی یا همه ی آثار یک شاعر از طریق گزینش نظام مند، صورت پذیرفته است. در این نوع گزینش، بخش های مختلف متن که نشان دهنده ی کل اثر است انتخاب شده است. گاه نویسندگان برای دریافت ویژگی های اصلی شاخصه های بومی - اقلیمی شعر، اثر ادبی را مکرر خوانده تا یک یا چند ویژگی تکرار شونده را در آن پیدا کنند. پس از کشف ویژگی های فردی سروده ی

شاعر، داده‌های مورد نظر را به منظور دست‌یابی به ارزش هنری تفسیر نمودند. نویسندگان در این تفسیر کارکردهای هنری و زیبایی‌های متن را دنبال می‌کردند و آن را با داده‌ها و اسناد زبانی متن پیوند می‌دادند، با بهره‌وری از این ابزار، محققان نقش منتقد ادبی را نیز به‌عهده می‌گرفتند.

از منظر ژانر ادبی در این پژوهش، کوشش شده تا همه‌ی ژانرها اعم از غنایی، تعلیمی، حماسی، سیاسی، اجتماعی و... از نظر دور نشود. از حیث فرم و قالب، نویسندگان توانستند شاخصه‌های بومی-اقلمی را در همه‌ی قالب‌های رایج شعر معاصر فارسی از کلاسیک (غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره و...)، نیمایی و مثنور (شاملوبی، حجم، موج نو، موج سوم، شعر ناب، پسامدرن، کانکریت، پلاستیک، سه‌گانی، ارتعاش و...) را واکاوی نمایند. از نگره‌ی جامعه‌ی آماری، قصد محققین بر این بوده تا از تمامی نقاط مازندران یک شاعر و از هر شاعر یک نمونه شعر در تحلیل مقوله‌ها بیاید، که این مقصود حاصل شده‌است.

۳.۱ چهارچوب مفهومی

اگر به تاثیر جغرافیای طبیعی و انسانی در ادبیات اقلیمی اعتقاد داشته باشیم در این صورت می‌توان از طریق ادبیات نیز به مطالعه‌ی جامعه‌ها، اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها پرداخت و با این نظریه به سمت شاعرانی رفت که در اقلیم مازندران از آغاز دهه‌ی پنجاه تا پایان دهه نودونه فعالیت چشمگیری داشته‌اند. محیط و جغرافیای طبیعی امکانات قابل توجهی برای ظهور و بروز نوآوری‌های شاعران مازندران فراهم آورده‌است. نیما از نخستین شاعران اقلیم‌گرای معاصر است که نه تنها در اشعار بومی خود (منظومه‌ی روجا) حتی در اشعار فارسی، بوم و اقلیم خود را معرفی می‌کند. طبعاً شاعران مازندران نیز پس از سنت شکنی نیما از تاثیرات محیطی برکنار نماندند و با تائید از نیما برای غنای شعر، موضوعات اقلیمی را در آن وارد کردند. شعر اقلیمی رأس هرم ادبیات بومی است و پس زمینه‌ی شعر کلاسیک محسوب می‌شود؛ با همان تقدیرگرایی سنتی و جزءنگری‌های عصیانگر، شعری سوژکتیو با کلتی ارگانیکی که چالش سنت و مدرنیسم در متن آن نمودی بارز دارد. پیوند با طبیعت، ایجاز، نوستالژیک‌گرایی پرداخت به عناصر آرکائیک، زبان محاوره و تصویرگرایی از مشخصه‌های شاعران اقلیم‌گراست. (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۰۷). تصاویر شعر اقلیمی، برآمده از طبیعت و زیست بوم شاعر است. در این راستا شاعر با گیاه، درخت، جنگل، گوه،

دریا و... همذات پنداری می‌کند و تلاش می‌کند تصاویر بدیعی خلق کند. با عنایت به این موضوع، نویسندگان صورت‌های اقلیمی (۲۲۵) دفتر شعر شاعران معاصر مازندران را در دو کلان شاخصه‌ی جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی تبیین نمودند. این کلان شاخصه‌ها، مجدداً به چندین خرد شاخصه تقسیم می‌شوند که در محل این بحث با رسم جدول نشان می‌دهیم.

جدول ۱. کلان شاخصه‌ها و خرد شاخصه‌های اقلیمی

| شماره | کلان شاخصه‌ها | خرد شاخصه‌ها | خرد شاخصه‌ها | خرد شاخصه‌ها | خرد شاخصه‌ها | خرد شاخصه‌ها |
|-------|------------------|-----------------|--------------|------------------|--------------|-----------------|
| ۱ | جغرافیایی | محیط طبیعی | آب و هوا | گیاهان و حیوانات | اماکن | * |
| ۲ | اجتماعی - فرهنگی | آداب و رسوم و.. | واژگان بومی | سنت و مدرنیته | موسیقی | نگاه زیست‌محیطی |

۱.۳.۱ شاخصه‌های جغرافیایی؛

در یک نگاه کلی، شاخصه‌های سه‌گانه‌ای که در این جستار طرح شده به دو دسته‌ی خاص و عام قابل تقسیم است. شاخصه‌های اقلیمی خاص آن دسته شاخصه‌هایی هستند که ویژه‌ی حوزه‌ی جغرافیایی مازندران است و به حوزه‌ی جغرافیایی دیگر نقاط کشور ارتباط ندارد، اما شاخصه‌های اقلیمی عام می‌تواند با شاخصه‌های اقلیمی دیگر نقاط کشورمان مرتبط باشد. البته باید در نظر داشت که شاخصه‌های عام نیز در سروده‌های شاعران مازندران جزء مقوله‌های اقلیمی این خطه باید به حساب آورد گرچه عناصر عام در ظاهر می‌تواند با دیگر اقلیم کشور وجه اشتراک داشته باشد اما شاعران مازندران تحت تأثیر همین محیط طبیعی و زیستگاهی‌شان به خلق آثار دست زدند. در شاخصه‌های جغرافیایی، مشابهت اوضاع جغرافیای طبیعی در سروده‌های شاعران معاصر مازندران آواکوی می‌شود. این شاخصه‌ها عبارتند از: طبیعت و محیط طبیعی (کوه دشت، جنگل و دریا)، آب و هوا (رطوبت، هوای بارانی، هوای ابری و مه آلود)، حیوانات و گیاهان، اماکن (شهرها و روستاها).

۲.۳.۱ شاخصه‌های فرهنگی - اجتماعی؛

شعر مدرن مجالی برای عرصه‌ی شعر اقلیمی است، شاعر می‌تواند با پشتوانه‌های جغرافیایی، فرهنگی-اقتصادی آفرینشگر طرحی نو باشد و این تاثیر هم در روستا و هم در ژرف ساخت شعرش نمود پیدا کند. در شاخصه‌های فرهنگی-اجتماعی؛ آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، واژگان زبان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی و نگاه زیست‌محیطی واکاوی شده‌است

۲. بحث و بررسی

در این بخش، شاخصه‌های اقلیمی سروده‌های شاعران مازندران در دو محور جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی با توجه به چهارچوب مفهومی، به همراه نمونه‌شعر تحلیل و تبیین شده است. یادآوری این نکته ضروری است که عناصر اقلیمی هر دو شاخصه در سروده‌های تعدادی از شاعران قابل ملاحظه است به همین منظور اعداد و ارقام و درصدهای جدول‌ها، از منظر آماری، اشتراکی است. همچنین ارائه‌ی نمونه شعر در موضوعات اقلیمی با توجه به میزان رویکرد شاعران است.

۱.۲ شاخصه‌های جغرافیایی

۱.۱.۲ طبیعت و محیط طبیعی (کوه، جنگل، دشت و دریا)

پس از بررسی سروده‌های (۵۰) شاعر، مجموعاً (۳۷) شاعر مازندرانی بر مبنای میزان بسامد، به شاخصه‌های جغرافیایی توجه داشته‌اند که با آمار و ارقام در چهار جدول نشان داده می‌شود. در بررسی شاخصه‌های اقلیمی، به نظر می‌رسد برخی از مولفه‌های جغرافیایی، می‌تواند با اقلیم دیگر اشتراک داشته باشد و به نوعی اختصاصاً جزء اقلیم مازندران به حساب نیاید. به همین منظور برای رسیدن به حقیقت نگرش اقلیمی شاعر البته فقط در این بخش، در جدول علاوه بر قرار دادن فراوانی «خاص»، معیار «عام» و «عام و خاص» نیز لحاظ شده است.

جدول ۲. میزان رویکرد شاعران به طبیعت و محیط طبیعی

| شماره | طبیعت و محیط طبیعی | میزان فروانی | درصد فروانی | مجموع |
|-------|--------------------|--------------|-------------|-------|
| ۱ | عام | ۱۹ | ۰.۵۱/۳۵ | ۳۷ |
| ۲ | خاص | ۵ | ۰.۱۳/۵۱ | ۳۷ |
| ۳ | عام و خاص | ۲۲ | ۰.۵۹/۴۵ | ۳۷ |

از نگرهی عام‌گونگی شاعران در این بخش علاوه بر انعکاس تصویر ساده و واقعی طبیعت مازندران، تعامل و گفتگو با طبیعت را نیز مطرح می‌کنند؛ به بیان دیگر طبیعت در شعر و واژگان حلول پیدا می‌کند و جزیی از آن می‌شود. آن چنان انسان و طبیعت را به هم نزدیک می‌بیند که بازجستن یکی را درون دیگری ممکن و زبان هریک را زبان دیگری می‌داند (مختاری، ۱۳۷۱: ۲۰۱). بسامد واژگانی شاخصه‌های اقلیمی عاممانند: جنگل، کوه، دریا، ساحل ابر، موج، درخت، جنگل و... در سروده‌ی تعدادی از شاعران مازندران چشم‌گیر است. این برجستگی‌ها گاه مادی و ملموس و گاه شاعر با سودجویی از صورت‌های مجازی مانند؛ استعاره‌ی پنهان و راهبردهای حس‌آمیزانه، ذهنی و خیالین است. از این منظر شاعران از مقوله‌های اقلیمی عام در پی توصیفات ناتورالیستی، شرح رنج رعیت و کشاورز یا تبیین ماجراهای عاشانه هستند. در زیر چند نمونه از برجستگی‌های اقلیمی عام به عنوان نمونه می‌آوریم.

«و شالیزار یکدست

هنگام که گره می‌خورد در باد... بویش پیچیده در مندیل دختران شالیکار»

(علی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۹)

«شب به تار می‌زد

ابرها در سطرهایی موزون

شعر باران را می‌سرودند»

(نیتلی، ۱۳۹۴: ۵۱)

«ای لبانت به رنگ نارنگی!

رنج نارنج را به من بسپار!»

(بهرام‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰)

«...آبی‌ترین صدای ساکت دریا را

روی فلس ماهیان جهنده

زیرپرش‌های نرم امواج

منتشر می‌کند»

(جعفری خورشیدی، ۱۳۹۶: ۷۳)

«کوتاه/ در آخرین وسوسه‌ی باران

به دست‌های تومی‌رسم!»

(معتقدی، ۱۳۹۱: ۱۹۱)

از نگرگاه دیگر، گاه طبیعت و محیط طبیعی به شکل خاص (طبیعت مازندران) و گاه به هر دو شکل عام و خاص (طبیعت ایران و جهان) در سروده‌های شاعران مازندران نمود داشته است. همان‌طور که در جدول شماره (۲) نشان داده‌ایم پنج تن از شاعران از مولفه‌های طبیعی به شکل خاص، نوزده تن از شاعران از مولفه‌های طبیعی به شکل عام و بیست و دو تن از شاعران از مولفه‌های طبیعی به شکل خاص و عام نام بردند؛ شاخصه‌های اقلیمی سروده‌های شاعرانی چون: سلمان هراتی، جلیل قیصری، علی‌اکبر مهبجوریان، محمود جوادیان کوتنایی و سایر محمدی غالباً بومی و تجربی با عناصر اقلیمی خاص همراه است. این گروه در این بخش از اقلیم‌گراترین شاعران مازندران هستند. برای نمونه واژگان بومی - اقلیمی سروده‌های جلیل قیصری را معمولاً اسامی درختان: «آزار (Ezar)»، میمرز (Memraz)، تالاجن (Talajan) ^۸، اسامی اشیاء: «جانتی (Jantei) ^۹، لامپا (Lampa) ^{۱۰}» و اسامی حیوانات: «شوکا (Shooka) ^{۱۱}، ورزا (Verza) ^{۱۲}» تشکیل می‌دهند چنانکه شاعر با استفاده از صورت‌های نمادین به موضوعات اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌زند. به‌همین منظور می‌توان گفت طبیعت و اقلیم از موتیف‌های برجسته‌ی این شاعر محسوب می‌شود.

«وگرازان‌ی گر

به شبچره

در روشنای «گول سوی (Gulsu) ^{۱۳}» بینجگر (Binjegkar) ^{۱۴} بیر...»

(قیصری، ۱۳۷۳: ۳۳)

در شعرعده‌ای از شاعران طبیعت و محیط طبیعی درونی شده و به‌آنان هستی - بخشیده است. این تجربه‌ی آگاهانه و پیوند با طبیعت و اقلیم به همراه ذوق و عاطفه‌ی شاعرانه در راستاعشق مفرط به زادگاه موجب شده، فضای رمانتیسیم اجتماعی و سیاسی در شعرهایشان نمودبارز یابد. در این امر شاعر عمدتاً برای بیان واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی از محیط طبیعی خود بهره می‌برد به گونه‌ای که می‌توان گفت نوع نگاه شاعر به طبیعت و جغرافیای طبیعی اطرافش از نوع کشف و تجربه‌ی زیستی خود اوست. در برخی از سروده‌ها، نگاه شاعران از حد توصیف طبیعت فراتر نرفته‌که این اشعار گزارش‌گونه و نگاه سطحی و روساختی فاقد جهان‌بینی لازم برای تحلیل عناصر اقلیمی و به‌چالش کشیدن مولفه‌های آن است. به بیان دیگر کشف یا بازآفرینی در این سروده‌ها وجود نداشته و شاعران با عینک پیشینیان و مضامین دست‌فروخته‌ی آنان زبان به سرودن گشودند. گروهی از شاعران مانند؛ سلمان هراتی، رجب افشنگ، ایرج قنبری، مصطفی علیپور، احسان مهدیان عناصر اقلیمی را در راستای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود به کار گرفته‌اند اما تنی چند دیگر از شاعران غالباً به جهان و هستی، ذهنیت انتقادی داشته و با نگاه اقتدارگرایانه به سمت استعاره‌ها و نمادهای عصیانگر پیش می‌روند. این گروه با توسل به فضاهای ملموس عناصر طبیعی محیطی به مضمون‌سازی روی آوردند و به سمت ادبیات رمزی و نمادین پیش رفته‌اند. در این سمت و سو که سروده‌هایشان در بردارنده‌ی اعتراض به نابسامانی‌های اجتماعی است با طنزی گزنده همراه است.

«... شالیزار سرت سبز باد!

ای دانه‌ای که

برام آفتابگیرشالی‌خانه

بی‌تاب روزن سرزدن از خاکید

فردا زنان آبادی

و چشم‌هایی در نهایت اندوه

شما را در تومجار (tomejar) ^{۱۵} می‌پایند...»

(هراتی، ۱۳۶۸: ۵۶)

«و جنگل

میدان است

و هر درخت، سوار است
پا در رکاب گردباد
می پیچد و پیش می آید
و عشق را
در مالنگا، مالنگا (Maleanga)^{۱۶}
شعله ور می کند»

(علی پور، ۱۳۷۲: ۵۷)

«غروب روستا بود و من و «تندیر (Tandeer)^{۱۷}» نان گرم
چه نفرینی مرا کرده است پابند صدای شهر»
(کرمانخت، ۱۳۸۰: ۷)

«خسته ام از خیابان های شیک
پارک های خشک و خالی از تلیک (talieq)^{۱۸}
هیچ دستی در خیابان های شهر
توی مشت من نمی ریزد ولیک (valieq)^{۱۹} ...
هیچ می دانی چه می خواهد دلم؟
آه مادر، آه مادر، بسته زیک (beshtezieq)^{۲۰} ...»
(علا، ۱۳۸۸: ۹۳)

۲.۱.۲ آب و هوا (رطوبت، هوای بارانی، هوای ابری و مه آلوده)

رویکرد شاعران درمحل این بحث به آب و هوای بارانی، شرجی، مه آلود چشمگیر بوده است، به طوری که از بین این (۵۰) تن، (۲۳) شاعر به شکل خاص به آب و هوای مازندران اشاره داشته اند، (۲۲) تن به شکل عام از آن یاد کرده اند و (۱۸) تن دیگر نیز به هردو شیوه از این مولفه سود جستند.

جدول ۳. میزان رویکرد شاعران به آب و هوا

| شماره | آب و هوا | میزان فروانی | درصد فروانی | مجموع |
|-------|-----------|--------------|-------------|-------|
| ۱ | عام | ۲۲ | .۵۹/۵۴ | ۳۷ |
| ۲ | خاص | ۲۳ | .۶۲/۱۶ | ۳۷ |
| ۳ | عام و خاص | ۱۸ | .۴۸/۶۴ | ۳۷ |

شاعران مازندران با تکیه بر مولفه‌ی آب و هوا که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه به بیان آمال و آرزو، دردها و رنج‌های خود پرداخته‌اند به طوری که واژه‌ی «باران» در بیش‌تر سروده‌هایشان تکرار معنادار دارد چنانکه هر کدام نگرش متفاوتی ارائه دادند. برای نمونه علی‌اکبر مهجوریان و علیرضا حکمتی را به سبب کثرت استعمال واژه‌ی باران در جای‌جای سروده‌هایشان می‌توان آن‌ها را شاعران باران نامید، با این تفاوت که نگاه حکمتی نسبت به «باران» معمولاً مثبت و عمدتاً نماد طراوت، شادابی، تحول و دگرگونی است، اما نگرش مهجوریان غالباً منفی است؛ صورت‌های استعاری که مهجوریان از باران ارائه می‌دهد، دربردارنده‌ی مفاهیمی چون «غم، اندوه، دل‌گرفتگی، ویرانگری و خانه‌براندازی» است. در پاره‌ای از سروده‌ها، این موتیف نماد مبارزه و در پاره‌ای دیگر نماد سدی در برابر آرزوهاست.

«در زمستان این حوالی، همیشه بارانی اما
 مه همه جا را گرفته است، و چشم چشم را نمی‌بیند
 این جا که باشی، دلت همیشه می‌گیرد
 و باران بیداد می‌کند»

(مهجوریان، ۱۳۹۲: ۶)

«کمی دورتر از دریا و باران

مهمان تازه‌ی مازندران!

حق با شماست

چقدر مرا از تو دور کرده است

تهران»

(حکمتی، ۱۳۹۰: ۷۱)

خوانش برجستگی های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۷۳

«کردیم دعا پشت دعا تا باران...
گفتیم که مرگمان خدا... یا باران...
شد دست کویرمان که خالی از بذر
با معجزه‌ای سبز شود با باران»

(محمدجانی، ۱۳۹۴: ۳۸)

«گم می شوم در لابه‌لای ابرها
با هیأت باران نزول می کنی
گم می شوی در لایه‌های خاک
با هیأت جنگل صعود می کنی»

(باقری، ۱۳۸۶: ۸۲)

«باریدمت اگر چه که باران نبوده ام
مازندران ابری آبان نبوده‌ام»

(رزاقی، ۱۳۸۹: ۹)

«به ابری دل می بندم

به دود

به دودکش سیاه

به یک کتاب که درباره‌ی ابر است

و در او باران نمی بارد...»

(یاوری، ۱۳۹۵: ۳۹)

«گفتی: شمالی!

ابر بالای سرت همیشه نوید باران نیست

و رودهایی هستند که از راه فاضلاب به دریا می رسند...»

(خانجانی، ۱۳۹۴: ۴۵)

۳.۱.۲ گیاهان و حیوانات

گروهی از شاعران در تصویرسازی‌های خود از پوشش گیاهی و جانوری مناطق خود بهره برده‌اند. البته تعدادی شکل عام دارد و تعدادی هم خاص اقلیم مازندران است. در این میان (۱۱) شاعربه شکل عام، (۲) شاعر به شکل خاص و (۱۳) تن به شکل عام و خاص به این مقوله پرداختند.

جدول ۴. میزان رویکرد شاعران به گیاهان و حیوانات

| شماره | گیاهان و حیوانات | میزان فروانی | درصد فروانی | مجموع |
|-------|------------------|--------------|-------------|-------|
| ۱ | عام | ۱۱ | ۲۹/۷۲٪ | ۳۷ |
| ۲ | خاص | ۲ | ۵/۴۰٪ | ۳۷ |
| ۳ | عام و خاص | ۱۳ | ۳۵/۱۳٪ | ۳۷ |

در این بهره، تعدادی از شاعران نظیر: جلیل قیصری، سایر محمدی در محیط روستایی، جنگلی و کوهستانی با گیاهان و جانوران همزیستی داشته‌اند، این دو تن با زبانی ساده و روشن به مدد شگردهای بلاغی در روایت‌ها و توصیف‌گری‌های خود گاه حقیقی و گاه استعاری و نمادین از این مقوله سود جستند. برای نمونه جلیل قیصری از تجربیات بومی خود از زمستان‌گذرانی گرگ‌ها به اجتماع نقب می‌زند. گرگ بن‌مایه‌ی سروده‌ی این شاعر است که مظهر آزادی و آزادگی است. به نظر می‌رسد بن‌مایه این تفکر، شعر سگ‌ها و گرگ‌های شاندر پتوفی شاعر مجاری و مجموعه اشعار زمستان اخوان ثالث باشد. سایر محمدی با تکیه بر طبیعت‌سرایی، تکانه‌های بلاغی متعددی را با توجه به گل‌ها و گیاهان بومی از محیط زندگی خود نقش می‌زند و به مدد تشبیهات روشن و جاندارپنداری، طبیعت شمال را در اشعارش انعکاس می‌دهد که حاکی از پیوند عمیقش با محیط و اقلیم مازندران است.

«دنیا که آمدم برف می‌بارید

قابله تا نافم برید

توله گرگی درمن زوزه کشید

زندگی راه افتاد...»

(قیصری، ۱۳۹۳: ۵)

خوانش برجستگی های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۷۵

«شونگ (Shongh) وزغ ها در زاغه ها

در کبود کوچه

پچپچه ی پاپلی (papeli) ^{۲۲}

دارکوبی مرده

کنار خندق خاموش»

(محمدی، ۱۳۷۳: ۴۷)

«پشت پرچین غروب

منقل آتش می گیرد

گل ککیما (kakiema) ^{۲۳} را می بوسم

... نیلوفرهای آب بندان

به من رشک می برند»

(اسماعیل پور، ۱۳۹۶: ۱۲۱)

۴.۱.۲ اماکن، مناطق و شخصیت ها

عده ای از شاعران با توصیف اماکن، شهرها، روستاهای و شخصیت های تاریخی و پهلوانی محل سکونت خود، دست مخاطب را گرفته و با خود به سفری درکوچه پس کوچه های دیار خویش می برند، در واقع نوعی توریسم ادبی را به یاری گزاره های شعر برگزار می کردند. در این بهره (۱۳) تن به شکل خاص، (۲) تن به شکل عام و (۳) تن به هردو شیوه به این مقوله توجه داشته اند.

جدول ۵. میزان رویکرد به اماکن و مناطق

| شماره | اماکن | میزان فروانی | درصد فروانی | مجموع |
|-------|-----------|--------------|-------------|-------|
| ۱ | عام | ۲ | .۵/۴۰ | ۳۷ |
| ۲ | خاص | ۱۳ | .۳۵/۱۳ | ۳۷ |
| ۳ | عام و خاص | ۳ | .۸/۱۰ | ۳۷ |

برای نمونه فرامرز سلیمانی شاعری است که درسیر و سفر شاعرانه ی خود نگاهی به درون زندگی دارد. عمدتاً بهانه ای برای جست و جو از گذشته به حال دارد. اسدالله عمادی با

سرودن منظومه‌ای عاشقانه برای شهرهای مازندران، علاقه و اقبالش را برای بازگشت به سرزمین مادری بیان می‌کند و برای جاودانگی زادگاهش عاشقانه می‌سراید. عمده‌ی این شعرا با حسرت از سرزمین مادری یاد می‌کنند و در نوستالژی تاریخی دست و پا می‌زنند.

«امیربابک

باز دلیر، باز قلعه‌ی برز

گرشا مازیار

تپوری گتِ مرد (katemard) ۲۴

سردار سوارگان آن سوی البرز»

(سلیمانی، ۱۳۶۸: ۳۴)

«آمل دو نیمه‌است

و در دو سوی رود

و چندین پل...

با بوی جوی مولیان به رینه می‌روم

از رینه تا نمار

و از چلاو تا نوا

ارگستر همسرای آلاله‌های صحرائی است»

(عمادی، ۱۳۹۵: ۴۱)

«...از تمام پاسگاه‌های هراز بی‌وقفه گذشتید...

آغوش تو یادش به خیر ای بندپی لذت!

آغوش تو یادش به خیر ای جان من خزر!

آغوش تو یادش به خیر ای کرسی کودک خردونکلا!»

(پیرزاد، ۱۳۷۷: ۱۷)

«...از تمام زندگی برایم

همین دریای خزر مانده

...ویلاهای ساحلی

خانه‌های کلاردشت»

خوانش برجستگی های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۷۷

(مهیدیان، ۱۳۹۲: ۴۱)

«من در میهنم هستم

همچنان که

پرسه می زدم و

پرسه می زدم خیابان های پر از نارنج شهسوار»

(نصری، ۱۳۹۳: ۱۱۱)

«هوای کوی تو کردم به غربت، نوشهر ای نوشهر

بین رخساره ی زردم به غربت، نوشهر ای نوشهر

در این ویرانسرا عمرم به تاراج اسیری رفت

به هرجا می برم نامت به حسرت نوشهر ای نوشهر»

(بزرگی نوشهری، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

«انار است و تپه های نجیب

شُرشُردرکا و خروش سیاهرود

با شکیب بلند مردمانش

هم پشت و هم غم

... تا سهم هر کدام ادا شود

کوئنا

رَجِ عمر من است

با شادی های کوچک کودکی...»

(جوادیان کوتناپی، ۱۳۸۷: ۴۴)

۲.۲ شاخصه های اجتماعی - فرهنگی

شاعر اقلیمی نگاهی نو به پدیده های پیرامون خود بویژه مقوله های اجتماعی - فرهنگی دارد و افکار و روحیاتش آمیخته از تضادها و کشمکش ها است. در گزاره ها شاعر اقلیمی آداب و رسوم، سنت ها، آهنگ ها، موسیقی طبیعت با خلاقیت خاص حضور چشم گیری دارند زیرا شعر مدرن مجالی برای عرضه ی شعر اقلیمی است و شاعر با پشتوانه های جغرافیایی،

فرهنگی و اقتصادی آفرینشگر طرحی تازه‌است که این تاثیر در روساخت و ژرف ساخت شعرش نمود پیدا می‌کند. در شاخصه‌های اجتماعی- فرهنگی، مشابهت امور فرهنگی و اجتماعی در سروده‌ها واکاوی شده‌است که با رسم یک جدول نشان می‌دهیم.

جدول ۶. میزان رویکرد به شاخصه‌های فرهنگی- اجتماعی

| شماره | شاخصه‌های فرهنگی- اجتماعی | میزان فراوانی | درصد فراوانی | مجموع |
|-------|---------------------------|---------------|--------------|-------|
| ۱ | آداب و رسوم | ۷ | ۱۶/۶۶٪ | ۴۲ |
| ۲ | واژگان بومی | ۱۲ | ۲۸/۵۷٪ | ۴۲ |
| ۳ | سنت و مدرنیته | ۲۰ | ۴۷/۶۱٪ | ۴۲ |
| ۴ | موسیقی بومی | ۷ | ۱۶/۶۶٪ | ۴۲ |
| ۵ | نگاه زیست محیطی | ۱۳ | ۳۰/۹۲٪ | ۴۲ |

۱.۲.۲ آداب و رسوم، باورها و اعتقادات

شعر اقلیمی می‌تواند توصیف درونی یک زندگی اجتماعی و راهیابی به فرهنگ، آداب و رسوم مردمی خاص با ارزش‌های تازه و متفاوت باشد. شاعر اقلیمی مازندران بر این باور است که تجربیات زیستی که از باورهای قومی و تاریخی و تقویمی نشأت می‌گیرد، اگر با سازوکارهای دیگر هنر کلامی هم‌ساز شود، می‌تواند دست‌آورد خوبی داشته‌باشد؛ به بیان دیگر تجربیات زیستی منشعب از آداب و رسوم، شناسنامه خودآگاه و ناخودآگاه ذهن و روان انسان است و از طرفی اشاره به باورها و آداب و رسوم مردم مازندران موجب برجستگی فرهنگی- اجتماعی سروده‌های شاعران مازندران می‌شود. در این راستا شاعران تلاش می‌کنند از تعبیر عامیانه بهره‌برند زیرا واژگان و تعبیر عامیانه ظرفیت قابل توجهی در حجم، گستردگی و اندازه شعر دارند. زبان این گروه از شاعران گاه محاوره‌ای است در مواردی که بخواهند از زبان افراد فرودست جامعه سخن می‌گویند. با توجه به جدول، هفت شاعر، یعنی (۱۶/۶۶ درصد) رویکردشان به آداب و رسوم، باورها و اعتقادات است.

«در آن سوی پنجره مردی که دهانش خالی‌ست

گر به‌ای را دم حجله کشته است

و زن کفش‌هایش جفت شده

دامنش تا آن سوی شهر تاب برداشته است»

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۷۹

(الیکایی، ۱۳۸۱: ۹۸)

«در کفش‌های نگهبان فلفل ریخته‌ام که برنگردد»

(ملک زاده، ۱۳۹۴: ۲۳)

«روزهایی که قسمت هرکس، رد پرواز کفشدوزک بود»

(نشاطی، ۱۳۸۲: ۳۶)

۲.۲.۲ واژگان بومی و محلی

جهان برای اشخاصی که واژگان متفاوت به کار می‌برند، متفاوت نمایان می‌شود. (هنله، ۱۳۷۲: ۸۲) واژگان یک زبان در شکل‌گیری شعر اقلیمی و ایجاز و نوآوری و درهم‌ریختن الگوهای از پیش تعیین شده، نقش اساسی ایفا می‌کند. محیط زیست بیش‌ترین تاثیر را بر سطح واژگانی زبان دارد. واژگان موجود در یک زبان بیش از هر چیز دیگری به‌طور واضح منعکس کننده‌ی محیط اجتماعی و فیزیکی سخنگویان آن زبان است و در واقع می‌تواند به مثابه فهرست پیچیده‌ای از دست‌آوردهای فکری-فرهنگی باشد که مورد توجه آن جامعه است. از این لیست زبانی می‌توان، تا حد زیادی، مشخصه‌های فیزیکی محیط و ویژگی‌ها و فرهنگ مردمی که آن زبان را بکار می‌برند، دریافت کرد. سایپر (۱۸۸۴-۱۹۳۹) (Syper) معتقد است کل واژگان یک زبان سیاهه‌ی پیچیده‌ای از اندیشه‌ها، تصورات، علایق و مشاغلی است که توجه آن قوم را به خود جلب کرده‌اند (پارساپور، ۱۳۹۲: ۶۲). تعداد زیادی از شاعران مازندران تلاش می‌کنند همچون نیما زبان بومی را در سروده‌های فارسی خود بگنجانند تا هویت زبان مادری خود را در کنار زبان رسمی به مخاطبین بشناسانند. کاربست واژگان مازندرانی که عموماً به مکان‌ها، درختان و جانوران دلالت داشته، نشانگر اهمیت این کلمات در نمود شرایط اقلیمی و زیستگاهی شاعر است. عمده این شعرا با کاربست واژگان مازندرانی نمادگرایی کرده و به مقوله‌های اجتماعی نقب می‌زنند. با توجه به جدول، دوازده شاعر (۲۸/۵۷٪) به این مقوله گرایش داشتند که در این میان جلیل قیصری سردمدار شعر محلی مازندران و بانی «اساشعر» گوی سبقت را از دیگران ربوده و بعد از او سلمان هراتی و دیگر شاعران قرار می‌گیرند.

«آنک تلاجنی (teiajen) ^{۲۵} در معبر زمان

سایه سار دل‌های رونده‌است...

ری را (reera) ^{۲۶} برپلکان دل

به عبث شال حوصله می‌بافد»

(قیصری، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۴)

«... وما چو لیسکی (liecek) ^{۲۷} به پشت سرد خاک

دل دگر زآرزوی زنده پاک

راه رفته بسته، راه مانده بیمناک»

(ژهری، ۱۶۹: ۱۳۸۱)

«و صبوری قامتت را انحنای

که «بیمویی و بوری (Biamo boori) ^{۲۸}»

و گلی که تحلیل می‌رواند

کشتل و وروش وش (Keshtel) ^{۲۹}

ایتنا لته لته (Inta late late) ^{۳۰} و تو تحلیل می‌روی

چارودار خسه (Charvedar) ^{۳۱}

نومزه کهو بخت (Nomze kahoo bakht) ^{۳۲} و تو تحلیل می‌روی وش»

(خجازی، ۱۳۸۴: ۶۸)

«...و خواب‌هایم را

آشفته «واش (vash) ^{۳۳}» های مزاحم...»

(مهجوریان، ۱۳۸۸: ۲۵)

«شبی که شاعر پاییز می‌شوی، کیجا (kiga) ^{۳۴}!

شبیبه شعر، غم‌انگیز می‌شوی، کیجا!»

(یاغی تبار، ۱۳۹۳: ۶۹)

۳.۲.۲ سنت و مدرنیته

شاعران غالباً برای روایت سنت و مدرنیته از موتیف آشنای شهر و روستا سود می‌برند؛ انعکاس دلزدگی از شهر و سایه‌های دلگیر پیشرفت صنعت و مدرنیسم و حس نوستالژی و

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۸۱

مهر نسبت به روستا درکانون توجه شاعران و نویسندگان اقلیم گراست، علاوه بر این گریز از شهر، تصویر نامطلوب از مظاهر شهرنشینی، تمایل به روستا، توصیف پاک‌ی و زیبای روستا و روستانشینان، پررنگی قواعد و قوانین در شهر و کمرنگی آداب و رسوم سنتی در آن، تاسف از ورود عناصر شهری و شهرنشینان در روستا، بیان غربت، سرگستگی و مشکلات روحی در شهر، اشاره به وضعیت روستاها، مهاجرت روستاییان به شهرها، دور شدن از زندگی ساده و رواج زندگی ماشینی و آپارتمان‌نشینی از موضوعاتی است که در عمق روح شعرا رخنه کرده و نهایتاً در آثارشان ظهور یافته‌است. در جدول مذکور بیشترین آمار، از آن روایت سنت و مدرنیته است که توجه بیست شاعر (۶۱/۴۷٪) را به خود معطوف داشته‌است.

«جغرافیای جعلی‌اش را خوب گشتم

تهراتان یک ذره بابل‌سر ندارد»

(رضا زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

«کاش من اهل ده گم‌شده‌ای بودم با

دخترانی که به سر، کوزه و گندم دارند»

(رنجبر، ۱۳۹۱: ۷۰)

«پایین بازار

با صنوبرهای صبور

... و هراز - شریان جوشان زندگی -

روایت البرز و جنگل را

از چاکسر مهربان - همسایه‌ی همیشگی پایین بازار -

در مسیر دهکده‌های آبی

عبور می‌داد»

(پیروز، ۱۳۹۰: ۵۰)

۴.۲.۲ موسیقی

موسیقی زبان مشترک مردم دنیاست اما موسیقی بومیو محلی می‌تواند ابزاری برای معرفی و انتقال فرهنگ قومی خاص به دیگر نقاط باشد. در اقلیم مازندران مردان هیزم شکن در

جنگل‌ها، شالیکاران در دشت‌ها، چوپانان در کوه و دره‌ها با آواز و ترانه‌های بومی، غم‌ها و آرزوهایشان را تسکین می‌دادند، حتی زنان در رسیدگی به امور منزلت‌رانه‌سرایی می‌کردند. گوشه‌های موسیقی بومی مازندرانی در سروده‌های شاعران این اقلیم بسامد چشمگیری دارد که معروف‌ترین آن عبارتند از: «طالب‌ا، امیری، کتولی، لیلی جان، مشتی برار، نجما، کمرسری، غریبی، رَج خوانی، گلی به گلی». در این راستا شاعران با آوردن گوشه‌های موسیقی گاه از رنج طبقه‌ی کشاورز و دامدار یاد می‌کنند و گاه به جهت دوری از شهر و دیار خود دل‌تنگی می‌کنند و سخت ناله سر می‌دهند. با توجه به جدول هفت شاعر (۱۶/۶۶) در سروده‌هایشان به این مقوله‌پرداختند.

«بعداز تو

در صدای چوپان

اشک از دو چشم «لیلی جان» آمده

... بعداز تو

بالا کشیده شد

سوی فانوس

بردست «دَسِ برار (Dacberar)»^{۳۵}...

(مهجوریان، ۱۳۸۸: ۴۲)

«دلم تنگ» کتولی‌های» زیباست

ودل‌تنگ هوای «یوش» و «نیما» است

از این تکرار و زردی خسته‌ام شعر

دلم در حسرت شالی و دریاست»

(حکمتی، ۱۳۹۰: ۹۲)

«اگر نجما نخواند عشق می‌میرد

همان بهترکه نجما، عشق را در خود بگیرد تلخ»

(عمادی، ۱۳۸۶: ۲۶)

«...مرد شالی

برای آرزوهایش امیری می‌خواند

مادری که دریا پسر دوش را بلعیده

دریا را به چه رنگ می‌بیند؟»

(توکلی، ۱۳۹۶: ۹)

۵.۲.۲ نگاه زیست محیطی

انسان جزئی از طبیعت است و سرشت وی نیز با آن همپیوندی دارد. بحران محیط زیست، طی نیم قرن گذشته هرچند محصول فناوری‌های شاخه‌های علوم تجربی است اما انسان متمدن را به بازیابی افکار و عملکرد گذشته خویش وامی‌دارد. وضعیت کنونی محیط زیست گویای این واقعیت است که دنیای مدرن امروز در کنار رشد جمعیت، محیط و منابع طبیعی را تخریب کرده است. امروزه بحران زیست محیطی ابعاد فراملی پیدا کرده و همفکری و همکاری جهانیان را در امر حفاظت از آن می‌طلبید. عوامل اصلی این بحران: کاهش منابع انرژی، افزایش جمعیت، کاهش معادن، از بین رفتن چشم‌اندازهای طبیعی، آلودگی هوا، آلودگی آب، افزایش گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه‌ی ازن، آلودگی صوتی، انقراض گونه‌ها، دفع نامناسب زباله‌ها و... است. گسترش شهرنشینی و رشد بی‌رویه و انسان‌محور فناوری در شکل‌گیری هر یک از این عوامل کاملاً روشن است (پارسا پور، ۱۳۹۱: ۹). شاعران مازندران دریافته‌اند که شعراقلیمی و رواج آن در سطح وسیع می‌تواند عملکردی نادرست انسان در برابر طبیعت را ترمیم‌کنند؛ نگرش زیست محیطی و تعامل آنان با طبیعت پیرامونشان، زمینه را برای ملاحظات زیست محیطی در جامعه را فراهم می‌آورد و رابطه‌ی انسان با طبیعت بسیار موثر واقع می‌شود. گرچه در برخی از سروده‌ها واژگان بومی اقلیمی بکار رفته اما شاعران عمدتاً از صورت‌های اقلیمی عام سود بردند و بیش از همه به موضوعات حاد اجتماعی مانند آلودگی هوا، قطع درختان، تخریب جنگل، شکار پرندگان اشاره می‌کنند و از این بابت اظهار نگرانی می‌کنند. با توجه به جدول شاعر (۳۰/۹۲). نگاه زیست محیطی داشته‌اند.

«آی جنگل، آی جنگل، زار کیست؟

صید سار و داروگ‌ها کار کیست؟

(عباس حسن‌پو، ۱۳۹۴: ۴۹)

«روستا را

به دار آویختند

بافتند، بافتند

بی‌پرنده و بی‌درخت

(بنی شیخ، ۱۳۹۰: ۴۷)

«قرار بود

درخت انجیر حیاطمان را قطع کنند

تم را به تنش بستم

بی‌خیالمان شدند»

(ملکی، ۱۳۸۶: ۷)

«این چه پیچ و تاب‌ی است که تو می‌خوری بشر؟

ای مادر دُرناها آگاه باش!

که نسل‌های مارهای باستانی هم به خطر افتاده

نسل مارهای اصیل

با این سموم تضمین شده...»

(آقاجانی، ۱۳۹۶: ۳۰)

«درخت، معنی هیزم نمی‌دهد... اما

بین چه بر سر این بنده‌ی خدا رفته؟!»

درخت یعنی: هیزم! - منم - که سوختنم

به بی‌صدایی بغض درخت‌ها رفته»

(دهروی، ۱۳۸۷: ۳۳)

«در حالیکه من ممکن است نارنگی نباشم

کرم نقش مهمی در ادامه عاشقی دارد»

(مه‌دی‌ان، ۱۳۹۲: ۳۹)

«و چون آخرین درنا

فقط تنهایی را

با خودمان به همراه می آوریم»

(براری، ۱۳۹۵: ۶۰)

«...دیگر تبرها تار و پود ریشه را خوردند

در کوهها و صخرهها شام غریبان بود

وقتی که طعم ضربه های تیشه را خوردند...»

(خورشیدی، ۱۳۹۳: ۶۰)

«آفتاب صبح گاهی

چشم می تاباند از کوهپایه های زغالی البرز

هوای سربی تهران»

(ریسی، ۱۳۹۲: ۴۶)

۳. نتیجه گیری

برآیند این پژوهش با توجه به تحلیل داده های آماری از (۲۲۵) دفتر شعر پنجاه شاعر فارسی سرای مازندران عبارت است از:

- شاعران مازندران در فرآیند تاثیر پذیری از آب و هوای معتدل و مرطوب، شاخصه های بومی - اقلیمی را به همراه دست آوردهای فکری - فرهنگی مردم مازندران در گزاره های خیالین خود به تصویر کشیدند.
- در سروده های شاعران برجستگی های جغرافیایی چهار خُرد شاخصه محیط طبیعی، آب و هوا، گیاهان و حیوانات بسامد بیشتری داشته است. آنان عمدتاً با بهره وری از راهبردهای استعاری به انعکاس تصویر ساده و واقعی طبیعت مازندران پرداختند، چنان که همواره در شعر با طبیعت تعامل و گفتگو داشتند که به نوعی طبیعت در خیال و واژگان شعرشان حلول نموده و جزیی از شعرشان شده است. در این راستا شاعران به صورت خودآگاه و ناخودآگاه به بیان آمال و آرزو، دردها و رنج های خود پرداخته اند به طوری که تعدادی از عناصر در سروده هایشان تکرار معناداری داشته است.

- کلان شاخصه‌ی اجتماعی - فرهنگی با پنج خُرد شاخصه‌ی آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، واژگان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی و نگاه زیست‌محیطی، نمود قابل‌ملاحظه‌ای در سروده‌های شاعران مازندران داشته‌است چنانکه از پنجاه شاعر، چهل و دو شاعر به توصیف درونی فرهنگ مردمی خاص، با ارزش‌های تازه و متفاوت پرداختند. در این راستا شاعر اقلیمی نگاهی نو به پدیده‌های پیرامون خود دارد به گونه‌ای که افکار و روحیاتش آمیخته از تضادها و کشمکش‌ها است زیرا شعر مدرن مجالی برای عرضه‌ی فرهنگ پُربار قومی است و شاعر با پشتوانه‌ی از این فرهنگ آفرینشگر طرحی تازه‌است. این تاثیر و اثرها در روساخت و ژرف‌ساخت شعر نمود پیدا می‌کند به همین منظور می‌توان گفت تجربیات زیستی شاعران با هم‌پوندی عناصر فرهنگی و باورهای قومی با دیگر هنر کلامی هم‌ساز شده و آثار مطلوبی در جامعه به بار نشانده‌است.

پی‌نوشت‌ها

۱. قالب «سه‌گانی» از نهم خردادماه سال (۱۳۸۹) در فضای مجازی به عرصه‌ی شعر فارسی گام نهاد، شعری است با فرم جدید که از سه مصراع یا سه سطر که در سطر سوم، ضربه‌نهایی زده می‌شود؛ یعنی فرم بیرونی، کلی یا سه لختی و فرم درونی، کلی یا بسته و کوبشی است. از میان ویژگی‌های بنیادین سه‌گانی، دو ویژگی «کوتاه» بودن و «سه‌لختی» بودن، به ترتیب، کمیت هندسی و عددی سه‌گانی را می‌سازند و با یکدیگر، بنیاد «فرم‌مکانیک» آن را تشکیل می‌دهند؛ علیرضا فولادی مبدع این قالب و نویسنده‌ی کتاب بوطیقای سه‌گانی است. (فولادی: ۱۳۹۴)
۲. موج سوم: فرامرز سلیمانی بنیانگذار یک خیزش ادبی در ایران بود که به جریان «موج سوم» شهرت پیدا کرد. شعر موج سوم، شعر لحظه‌ها، شعر برداشت و ایجاز است. شعری در نگاهی تند و تصویری که دمی در خود تمام می‌شود، شعر راستین این دوران که تکرار و کپی‌برداری نمی‌تواند باشد که تازگی زندگی را جست و جو می‌کند. این گونه شعر (شعراي‌ج‌موج سوم) را می‌توان میراث رباعی دانست، با همان (سلیمانی، دی و بهمن ۱۳۶۶، شماره‌های ۱۵-۱۶).
۳. اساشعر: «اساشعر» به معنی «شعر اکنون»، «شعر حالا» و «شعر این زمان» کوششی دیگر در کارنامه شعر تبری است. اساشعر، شعری است موجز و بیشتر به کوتاهی می‌رود و زاینده‌ی پیشینه‌های خود است اما برای زمان و مکان حال از چهار دانه‌های امیرپازواری و نیما آبخور گرفته است

۴. ارتعاش: احسان مهدیان در مصاحبه‌ای با نویسندگان چنین می‌گوید: ارتعاش شعری اعتراضی و چالش برانگیز که شامل مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی در گفتمان‌های متعدد است که خط و معیار روشن و قطعی برای شناخت آن وجود ندارد؛ ضرورت گرفتن المان‌های مدرن و دادن المان‌های سنتی و وارد کردن روحی تازه به شعر از اهداف اصلی این نوع شعر است تفاوت آن با شعر پست مدرن در آرمان‌گرایی و ایدئولوژی محوری آن است هر چند دانش بشری نسبی است. زبان و آنچه در شعر ارتعاش ریشه گرفته، خود جامعه است؛ شعری که در مقابل دیکتاتوری زبان به دهن کجی ایستاد و برای خود تعهدی دارد که به ادبیات تلنگری بزند تا از کهنه شدن مضامین و کلیشه و تکرار نجات یابد.

۵. متن سیاه::

عنوان «متن سیاه» حکایت از نام و عنوان خاص ندارد و متعین است و جریان و رویکرد مشخص و تمام شده‌ای ندارد. به جای متن سیاه می‌توان واژگان دیگری گذاشت. اما به‌طورعام متن سیاه در مقابل هرگونه تلقی روشن و سپید و شفاف از زبان و متن و نوشتار و گفتار دارد. به لحاظ تاریخی به تمایز با شعر سپید و تمامی رویکرد کلاسیک و سنتی به زبان، سیاه به مثابه‌ی امری دوارز دسترس، شناخته‌ناپذیر، فاقد حدود، گنگ و تاریک، ...بازی‌ای از یک بازی‌ای، استعاره‌ای از یک استعاره، چهره‌ای پسین در پستوی زبان و... به اجمال این که سیاه یک ناویژگی است از این جهت که هرگونه شفافیت و وضوح هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه و ارزش‌شناسانه‌ی معطوف به زبان را واپس می‌زند...در ساختارزدایی، متن با وجوهی سیال‌تر به‌جای ساختار می‌نشیند (خبازی، ۱۳۹۹: ۷-)

(۸)

۶. نام درختی در جنگل‌های مازندران

۷. نام درختی در جنگل‌های مازندران

۸. نام درختی در جنگل‌های مازندران

۹. کیسه گلیم بافتی که روستائیان در آن توشه سفر می‌گذاشتند

۱۰. نوعی چراغ نفتی با شیشه‌ای بلند

۱۱. نوعی گوزن از جنس گاو کوهی

۱۲. گاو نرجوان

۱۳. فانوسی که کشاورزان در مزارع برای راندن گراز می‌آویزند

۱۴. شالیکار

۱۵. جالیز برنج

۱۶. مکانی برای استراحت چوپان و گالش در جنگل

۱۷. تنور خانگی
۱۸. نوعی زیر انداز پشمی
۱۹. زالزارگ وحشی
۲۰. شیرینی محلی با کنجد
۲۱. جیغ
۲۲. پروانه
۲۳. نوعی گیاه وحشی خاص اقلیم مازندران
۲۴. مرد بزرگ
۲۵. نام درخت
۲۶. مطابق افسانه ای در شمال نام بانوی جنگل است که موجب طراوت و زیبایی جنگل مازندران است
۲۷. حلزون
۲۸. آمدی که بروی
۲۹. نوعی پرندۀ صحرایی کوچک
۳۰. این قسمت از شالیزار
۳۱. چهارپادار (اصطلاحی است در خرمن کوبی برنج. نگهدارنده و مراقب اسب)
۳۲. نامزد کیودبخت
۳۳. علف
۳۴. دختر
۳۵. یاریگر هنگام کاروکشاورزی
۳۶. تک «درنای امید» پرندۀ ای که چندین سال است از مناطق سرد روسیه طی مسافت شش هزار کیلومتری، زمستان‌ها به تالاب فریدونکنار مهاجرت می‌کند. متأسفانه شکارچیان جفت این پرندۀ را شکار کردند، شکار این پرندۀ موجب تکدر خاطر شعرا شده است.

کتاب‌نامه

آبان، علی. (۱۳۸۶). مجموعه اشعار پنج شنبه‌ها باتو، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.

خوانش برجستگی های زبانی و بومی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۸۹

آبان، علی (۱۳۸۷). مجموعه اشعار ساعت نه و ربع به عقربه آویخته می شوم، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.

آقاجانی، شمس (۱۳۹۶). مجموعه اشعار چرا آخرین ذرنا باز نمی گردد، تهران: بوتیمار.

احمدی، مسعود (۱۳۹۴). روش تحقیق، تهران: پژوهشهای فرهنگی ج ۳.

احمدی، محمود (۱۳۸۸). مجموعه اشعار لباس صورتی ات برگل بهار سراسر، تهران: افراز.

احمدی، محمود (۱۳۸۹). مجموعه اشعار هی تند نرو که راه بی پایان است، تهران: افراز.

احمدی، محمود (۱۳۹۶). مجموعه شعر تاکنار درخت گیلاس، تهران: نشر: اسطوره.

افشنگ، رجب (۱۳۸۹). گزیده شعر نابرداران را می شناسم، تهران: تکا.

الیکایی، نرگس (۱۳۸۱). مجموعه اشعار درختان صلح، تهران: عمران.

باباجاهی، علی (۱۳۸۱). سه دهه شاعران حرفه ای، تهران: ویستار.

براهنی، رضا (۱۳۶۲). قصه نویسی، تهران: نشر نو.

باقری آتدرسی، فرزانه (۱۳۸۶). مجموعه شعر و خاواوند عشق را آفرید، نوشهر: عدن.

بذر افشان، رجب (۱۳۸۱). مجموعه شعر دل کبودی های پاییزی، ساری، ناشر: مولف.

بذر افشان، رجب (۱۳۸۲). مجموعه شعر از هفتاد که بگذریم، تهران: پویند.

براری، محمدرضا (۱۳۹۶). مجموعه شعر دیگر اثنتهای عاشق شدن ندارم، تهران: شب چله.

براری، محمدرضا (۱۳۹۵). مجموعه شعر شباهت، تهران، نشر: شب چله.

بزرگی نوشهری، بهمن (۱۳۸۸). پرنیان (دیوان کامل بزرگی)، تهران: شلاک.

بهرام پرور، سیامک (۱۳۹۴). مجموعه شعر به رنگ نارنگی، تهران، نشر: نیماژ.

بنی شیخ الاسلامی، مسعود (۱۳۹۰). مجموعه شعر سکوت به سوگ نشسته، آمل، نشر: وارث وا.

پارساپور، زهرا (۱۳۹۱). بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر، مجله ادب فارسی، ۲، ۱، صص ۷۷ تا ۹۹.

پیروز، غلامرضا (۱۳۹۰). مجموعه شعر واژگانی چشم به راه اضطراب اند، تهران، نشر: دبیزش.

پیرزاد، ناصر (۱۳۷۷). عاشق بی بلیط (دو کتاب)، تهران: پاسارگاد.

پیرزاد، ناصر (۱۳۹۰). عصر پیرزاد (آن، چیز و تماشای آب در گرداب)، تهران: داستان.

توکلی، افسانه (۱۳۹۶). مجموعه شعر مرا تابستان کن، تهران: اقلیما.

حسن پور، حسن (۱۳۹۴). مجموعه شعر مرگ نام خانوادگی ام، تهران، نشر: نیماژ.

حسن پور، عباس (۱۳۹۴). مجموعه شعر کلماتی شبیه کلید، آمل: وارث وا.

حسن پور، عباس (۱۳۸۰). مجموعه شعر این شعر درخت خواهد شد، رشت، نشر: حرف نو.

حکمتی، علیرضا (۱۳۹۰). مجموعه شعر درخت تنها ماند، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.
خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵). آشنای شالیزار (پژوهشی در زندگی و شعر سلمان)، ساری،
نشر: شلفین.

خبازی، مهدی (۱۳۸۴). مجموعه شعر این کتاب اسم ندارد، تهران: قصیده سرا.
خانجانی، طاهره (۱۳۹۴). مجموعه شعر پرندگان سر به هوا، تهران، انشر: فصل پنجم.
جعفری خورشیدی، حنیف (۱۳۹۳). مجموعه شعر بیهوایی حواسشدم، مجموعه غزلیات،
تهران: فرهنگ عامه.

جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۳). مجموعه شعر آبی ناگهان، تهران: فصل پنجم.
جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۶). مجموعه شعر پروانه های پراکنده، تهران: نگاه.
جوادیان کوتایی، محمود (۱۳۸۷). مجموعه شعر از کوچه های اسطوره، تهران: نشر: اشاره.
داودی حموله، سریا (۱۳۹۳). آنتولوژی شعر شاعران معاصر (کلمات بیش از آدمی رنج می برند)،
تهران، نشر: قطره.

دهرویه، علیرضا (۱۳۸۷). مجموعه شعر شغل جدید ابلیس، تهران: هزاره ققنوس.
رزاقی، مریم (۱۳۸۹). مجموعه غزلیات حق با تو بود، تهران: فصل پنجم.
رضازاده، محمدعلی (۱۳۹۰). مجموعه شعر مرد مه آلود، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.
رضازاده، محمدعلی (۱۳۹۵). مجموعه شعر ترانه های تمدن، تهران، نشر: نیماژ.
رنجبر، میثم (۱۳۹۱). مجموعه شعر دندان درد، تهران: هزاره ققنوس.
رئسی، محمدصادق (۱۳۹۲). مجموعه شعر آواز فاخته در آبرتمان اجاره ای، تهران: سولار.
زهری، محمد (۱۳۸۱). مجموعه شعر برای هرستاره، تهران: توس.
سلیمانی، فرامرز (۱۳۶۸). مجموعه شعر آوازهای ایرانی، تهران: نگاه.

شیردست، عبدالرضا و پیروز، غلامرضا (۱۴۰۰). لحن عامیانه و شگردهای آن در شعر فارسی امروز
مازندران از ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات، عامه دانشگاه تربیت مدرس، سال ۹،
شماره ۳۸، ص ۲۲۱-۲۶۷.

صابر، فرهاد (۱۳۷۲). مجموعه شعر آیش سبز، آمل، ناشر: مولف
صادقی، فاطمه زهرا، غلامرضا پیروز، زهرا پارساپور (۱۳۹۸). کاربست شاخصه های اقلیمی -
فرهنگی در شعر معاصر مازندران در راستای تقویت فرهنگ بومی (با رویکرد به سروده های
اسدالله عمادی، علی اکبر مهجوریان و جلیل قیصری)، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه
اجتماعی فرهنگی، دوره هشتم، شماره ۱.

- صفوی، کوروش (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، تهران: چشمه.
- علی‌پور مصطفی (۱۳۹۴). *مجموعه اشعار در پیراهن اردیبهشت*، تهران: شهرستان ادب.
- علی‌پور مصطفی (۱۳۷۲). *از گلی کوچک رود*، تهران: نشر: حوزه‌ی هنری.
- علا، افشین (۱۳۸۸). *مجموعه اشعار کودکانها و غزل*، تهران: انجمن شاعران ایران.
- عمادی، اسدالله (۱۳۹۵). *مجموعه اشعار بازگشت به سرزمین مادری*، ساری، نشر: هاوژین.
- عمادی، اسدالله (۱۳۸۶). *مجموعه اشعار آخرین ایستگاه جهان*، تهران: نشر: اشاره.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)*، تهران: سخن.
- حسن‌پور، عباس و علیرضا قاسمی و ابراهیم فلاح (۱۳۹۵). *تقدیر و تحلیل مجموعه سروده‌های محمد ژهری با تاکید بر محتوا و درونمایه، دو فصلنامه علوم ادبی*، سال ۶، شماره ۸، پاییز و زمستان.
- قیصری، جلیل (۱۳۷۳). *مجموعه شعر از کنگه‌لو تا کومه‌های دور*، نوشهر، ناشر: مولف.
- قیصری، جلیل (۱۳۹۳). *مجموعه شعر هنوز کوتا سپید خوانی این برف*، تهران: نشر: ابتکار.
- قنبری، ایرج (۱۳۸۸). *گزیده‌ی اشعار باغ ترانه، تهران: تکا*.
- کرمانخت، شعبان (۱۳۸۰). *مجموعه اشعار این همه دل‌تنگی*، بابل‌سر: روجین.
- کسمایی، الهه (۱۳۷۷). *دریا در شعر شاعران جنوب، گلچرخ*، شماره ۱۹، صص ۳۹-۴۲.
- گری، مارتین (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۴). *مجموعه رباعی پروانه دلش به عشق عادت دارد*، اندیمشک: اریترین.
- محمدی، تقی (۱۳۷۷). *مجموعه شعر دختران پرتقال چین*، تهران: آرست.
- محمدی، تقی (۱۳۷۴). *مجموعه شعر ترانه‌های تمشک و باران*، تهران: نشر: آرست.
- ملک‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). *مجموعه شعر خمیازه انجیرهای پاییز*، تهران: شلاک.
- ملکی، کیوان (۱۳۸۶). *مجموعه شکوفه‌ای برای سیب شدن تقلا می‌کند*، تهران: افرا.
- معتدی، محمود (۱۳۹۱). *گزیده‌ی اشعار*، تهران: مروارید.
- مهدیان، احسان (۱۳۹۲). *مجموعه شعر لیلابی‌ها در نیایش باران*، ساری، نشر: شلفین.
- مهجوریان، نماری، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *مجموعه شعر دیار خانه‌های بارانی*، ساری: شلفین.
- مهجوریان، نماری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *مجموعه شعر از این حوالی بارانی*، آمل، نشر: شمال پایدار.
- هراتی سلمان (۱۳۶۸). *مجموعه شعر دری به خانه‌ی خورشید*، تهران: انتشارات: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

- مودّتی، علی محمد و یعقوب زارع ندیکی (۱۳۹۷). بررسی عنصر لحن و کارکرد آن در الهی‌نامه عطار، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۸، ۱-۲۸.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸) فرهنگ فارسی عامیانه، تهران: نیلوفر.
- نشاطی، بهمن (۱۳۸۲). مجموعه شعر خاطرات تو و دل‌تنگی، گرگان، نشر: مختومقلی.
- نصری، تیرداد (۱۳۹۳). مجموعه شعر دو قدم مانده به خاکستر، تهران: سولار
- نیتلی، علی (۱۳۹۱). مجموعه شعر ویروس‌ها در دلم سرما خورده‌اند، تهران: روزگار.
- نیتلی، علی (۱۳۹۶). مجموعه شعر زیبای صعب‌العبور، تهران: مایا.
- یاغی تبار، علی‌اکبر (۱۳۹۳). مجموعه شعر دم‌های بی‌وادم، تهران: نیماژ.
- یاوری، مجتبی (۱۳۹۵). مجموعه شعر جار، تهران: شب چله.
- یاوری، مجتبی (۱۳۹۵). مجموعه شعر راوی، تهران: نشر: شب چله.
- یوسفی، صفر (۱۳۸۱). مجموعه شعر سبزپوش بارانی، آمل: وارث‌وا.
- هنله، پل (۱۳۷۲). زبان و اندیشه و فرهنگ، ترجمه‌ی یدالله موقن، مجله کلک. شماره ۴۵ و ۴۶، آذر و دی، صص ۷۷-۹۷.